

بی‌عدالتی در خلق پول نانادیده گرفتن وام اشتغال مددجویان!

مسئله اصلی بی‌عدالتی در خلق پول کشور را یا پرداخت وام اشتغال به مددجویان و ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی از طریق تسریع در پرداخت این وام به مددجویان با شرایط باز پرداخت مناسب ۸۴ماهه می‌توانیم حل کنیم و به سه هدف، خلق پول مولد، عدالت اجتماعی در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و همچنین رفع ناترازی انرژی کشور با نیروگاه‌های خورشیدی خانگی مددجوها برسیم. ■ ■ ■

خلق پول بانکی در کشور مابه‌دلیل عدم نظارت صحیح از سوی بانک مرکزی و تعارض منافع در برخورد بانک‌های متخلف در اجرای قانون، سال‌هاست به نفع گروه‌های خاص و بخش‌های غیرمولد اقتصاد عمل کرده است. تسهیلات کلان به پروژه‌های دلالتی، املاک، ارز و خودرو تزریق می‌شود و عمده تسهیلات نیز به زیرمجموعه‌های شبکه بانکی می‌رسد، در حالی که بخش تولید و حتی اقشار ضعیف، کمترین سهم را از این خلق و رشد نقدینگی دارند. این وضعیت منجر به شکل‌گیری اقتصادی غیرمولد، تورم مزمن و گسترش نابرابری ساختاری شده است. با این حال از طریق اعمال قدرت حاکمیت در تعیین تسهیلات حمایتی می‌توانیم با یک تغییر مسیر ساده در تخصیص تسهیلات بانکی، همین خلق پول را به ابزاری برای رشد تولید، اشتغال پایدار و عدالت اجتماعی تبدیل کنیم.

دقیقاً موضوعی که در تبصره ۱۵ قانون بودجه به سمت آن حرکت کردیم و مجلس هر ساله منابعی را از محل منابع قرض‌الحسنه نظام بانکی یا با اعطای یارانه سود به منابع عادی نظام بانکی در راستای خلق پول مولد در کشور مورد حمایت قرار می‌دهد. وام ساخت مسکن یا وام ازدواج و از همه مهم‌تر وام اشتغال عینیت یافته همین نوع از خلق پول است که کمک بزرگی به اصلاح خلق پول در نظام بانکی می‌کند ولی متأسفانه در سال جاری، بانک مرکزی کمترین توجه را به این مسیر داشته است.

وام اشتغال مددجویان کمیته امداد و بهزیستی نمونه‌ای از همین خلق پول مولد است. این وام‌ها در صورت پرداخت منظم و با شرایط بازپرداخت منطقی آن که مبتنی بر مدت زمان بازپرداخت ۸۴ماهه است؛ می‌توانند منبع درآمدی پایدار برای اقشار ضعیف باشند و در عین حال، از طریق سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس، به تولید انرژی پاک منجر شوند. در این مدل، هر مددجو به جای دریافت کمک نقدی یا یارانه مصرفی، به یک تولیدکننده برق تبدیل می‌شود که با فروش برق خورشیدی تولیدی خود به شبکه، به اقساط خود را پرداخت می‌کند و هم درآمدی برای خود تأمین خواهد کرد. اما همه این موارد در صورت پرداخت وام اشتغال است که در ۹ ماهه نخست سال متأسفانه هیچ پرداختی انجام نشده است.

مهم‌ترین عامل توقف وام اشتغال نیز عملکرد متناقض بانک مرکزی است. بانک مرکزی با رویکردی کوتاه‌نگرانه، نه‌تنها در پرداخت این تسهیلات تعلل کرده بلکه مدت بازپرداخت را نیز از ۸۴ ماه به ۶۰ ماه کاهش داده است؛ تصمیمی که عمداً این طرح را از کارآمدی انداخت. این کارآمدها است که در منطق خلق پول مولد و عادلانه، باید اعتبارات جدید به سمتی هدایت شود که ارزش افزوده واقعی و اشتغال پایدار ایجاد کند. پرداخت تسهیلات به مددجویان برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی، دقیقاً همان مسیر خلق پول مولدی است که می‌تواند در برابر خلق پول تورمز را در بخش‌های دلالتی، توازن ایجاد کند. با پرداخت وام اشتغال و تخصیص آن به طرح‌های تولید برق خورشیدی که در دستور کار کمیته امداد خامی‌نمی‌دره) قرار گرفته است؛ سه هدف به صورت هم‌زمان محقق خواهد شد. نخستین هدف تحقق خلق پول مولد و سالم در فضای اقتصادی کشور است یعنی پولی که از مسیر تولید برق خورشیدی و بازپرداخت از محل فروش آن بازمی‌گردد و به خلق پول غیرمولد نظیر افزایش قیمت دارایی‌ها یا سفته‌بازی ختم نمی‌شود. دومین هدف نیز تحقق عدالت اجتماعی است؛ زیرا منابع مالی کشور به جای تمرکز در دست طبقات درخوردار و رانت خلق پول در اختیار مددجویان خاص، با پرداخت وام اشتغال، مستقیماً در اختیار اقشار ضعیف جامعه که مددجویان نهادهای حمایتی کشور هستند؛ قرار می‌گیرد تا از طریق کار و تولید به استقلال مالی برسند. سومین هدف که مهم‌ترین هدف برای بخش مولد اقتصاد است؛ رفع ناترازی انرژی کشور به خصوص در بخش خانگی و برای ایام اوج پیک مصرف برق یعنی تابستان است؛ زیرا هر نیروگاه ۵کیلوواتی مددجویان به تولید برق تجدیدپذیر کمک می‌کند و فشار بر نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی را کاهش می‌دهد.

■ **اهمیت طرح تولید برق خورشیدی مددجویان با وام اشتغال جهت حل بخشی از ناترازی انرژی**
نوید هدایتی‌فر، کارشناس انرژی در گفت‌وگو با «جوان» در ابتدای صحبت‌های خود با اشاره به اهمیت توسعه نیروگاه‌های خورشیدی بخش خانگی از طریق وام اشتغال خاطرنشان کرد: وام اشتغال مددجویان و طرح‌های تولید برق خورشیدی با این وام اشتغال مددجویان از اهمیت بالایی در خلق پول مولد کشور برخوردار است. مسئله اصلی بی‌عدالتی در خلق پول کشور را با پرداخت وام اشتغال به مددجویان و ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی از طریق تسریع در پرداخت این وام به مددجویان با شرایط بازپرداخت مناسب ۸۴ماهه می‌توانیم حل کنیم و به سه هدف، خلق پول مولد، عدالت اجتماعی در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و همچنین رفع ناترازی انرژی کشور با نیروگاه‌های خورشیدی خانگی مددجوها برسیم.
وی ادامه داد: اگر بانک مرکزی پرداخت این تسهیلات را تسریع کند، امکان احداث ده‌ها هزار نیروگاه خورشیدی خانگی فراهم می‌شود که مجموعاً ظرفیت تولیدی بیش از ۱/۲۵ گیگاوات برق خواهند داشت. این ظرفیت معادل چند نیروگاه تراز می‌توسط است، با این تفاوت که بدون هزینه سوخت، بدون آلودگی و بدون نیاز به بودجه دولتی ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، بازپرداخت ۸۴ ماهه به جای ۶۰ ماهه نه یک امتیاز غیرضروری، بلکه لازمه پایداری طرح است. مددجویی که از محل فروش برق ماهانه درآمد مشخصی دارد، باید بتواند اقساط خود را بدون فشار مالی پرداخت کند تا انگیزه‌اش برای نگهداری و توسعه نیروگاه باقی بماند. هرگونه فشار مالی زود هنگام نه تنها طرح را ناکام می‌کند بلکه اعتماد اقشار ضعیف به سیاست‌های اقتصادی دولت را نیز تضعیف خواهد کرد.

این کارشناس انرژی با اشاره به لزوم پرداخت وام اشتغال به صورت کامل از سوی بانک مرکزی خاطر نشان کرد: بانک مرکزی اگر واقعاً به دنبال عدالت در دسترسی به تسهیلات بانکی و ثبات اقتصادی است، باید مسیر خلق پول را از دلای به مولدسازی تغییر دهد و از طریق تسهیلات هدفمند برای مددجویان، هم اشتغال پایدار ایجاد کند و هم انرژی کشور را متحول سازد. طرح اشتغال برای نیروگاه‌های خورشیدی مددجویان، فرصتی کلیدی برای اشتغال جهت خلق پول در کشور است؛ فرصتی که اگر با تدبیر و سرعت عمل همراه شود، می‌تواند هم عدالت اجتماعی را معنا کند، هم ناترازی انرژی را درمان و هم نقدینگی را به خدمت تولید در آورد. این کارشناس انرژی در پایان گفت: این تعلل و تأخیر در پرداخت وام اشتغال، فقط از زاویه اجتماعی و حمایتی زیان‌بار نیست؛ از منظر انرژی نیز خسارتی بزرگ برای کشور محسوب می‌شود. در شرایطی که ایران سالانه با ناترازی حدود ۱۵ هزار مگاوات در تولید و مصرف برق مواجه است، بی‌توجهی به طرح‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس، به معنای از دست دادن ساده‌ترین مسیر برای جبران بخشی از این کسری است. طرح نیروگاه‌های خورشیدی مددجویان می‌توانست هم‌زمان با اشتغال‌زایی، بخشی از ناترازی تابستانی شبکه برق را کاهش دهد و از تحمیل هزینه‌های گزاف سوخت به تأخیر در جلوگیری کند.

شکاف آبی در پایتخت به نقطه جوش رسیده است. آمارها از مصرف نیمی از آب تهران در سه منطقه شمالی خبر می‌دهد: مناطقی که تنها یک پنجم جمعیت شهر را در خود جای داده‌اند. هم‌زمان، سدهای پایتخت در کمترین سطح ذخیره ۶۰سال گذشته‌اند و رئیس‌جمهور از احتمال جیره‌بندی یا حتی تخلیه تهران سخن گفته است. با این حال کارشناسان می‌گویند راه‌حل، نه تخلیه شهر که مدیریت مصرف و اجرای عدالت در مصرف و توزیع آب است. ■ ■ ■

خشکیدگی ایران وارد مراحل جدیدی شده است. در گذشته مشکل اصلی کشور در حوزه آب به کمبود این ماده حیاتی برای دو حوزه کشاورزی و صنعت مربوط بود؛ مواردی که عمدتاً به دلیل به رسمیت نشناختن اقتصاد در دو قلمرو صنعت و کشاورزی به تاراج آبی در بسیاری از دشت‌های کشور منجر شد. با این حال برابر شدن جمعیت ایران در یک قرن گذشته و هم‌زمانی آن با کاهش شدید میابگین بارش‌ها سبب شده است تا تاراج آبی از حوزه صنعت و کشاورزی فراتر رود. شوک اخیر کاهش بارش‌ها به بخش شرب و مخازن سدها موجب شده تا چهره واقعی خشکسالی بیش از پیش نمایان شود. در این میان تهران شرایط حساس‌تری دارد و زمزمه جیره‌بندی آب شنیده می‌شود. وزیر نیرو نیز اخیراً از احتمال قطعی آب در ساعاتی از شب به منظور جلوگیری از هدررفت آب خبر داده است. اما نکته مهم در این زمینه ناعدالتی در مواجهه با کمبود آب در مناطق مختلف تهران است.

محسن اردکانی، مدیرعامل شرکت آبیای استان تهران، به تازگی در اظهاراتی، مصرف روزانه آب شرب پایتخت را ۳میلیارد لیتر (۳میلیون مترمکعب) اعلام کرد.

محمدرضا بختیاری، مدیرعامل پیشین شرکت آبیای استان تهران، در سال ۱۳۹۹ اعلام کرده بود، حدود ۴۷درصد از کل آب شرب پایتخت (معادل سهم ۱۹ منطقه دیگر) تنها در مناطق یک تا ۴ مصرف می‌شود. سهم مصرف این سه منطقه تقریباً معادل سهم مصرف ۱۹ منطقه دیگر تهران است.

■ **شمال تهران رکورددار مصرف آب**
بر اساس آمارها، جمعیت مناطق یک، ۲ و ۳ برابر با ۱۶۳۸/۸۷۴ نفر است؛ این عدد معادل ۱۸/۸درصد جمعیت تهران است. همین جمعیت، نیمی از آب تهران را مصرف می‌کنند، در حالی که ۸۱/۲درصد جمعیت باقیمانده تنها ۳درصد از منابع را در اختیار دارند.

با توجه به رقم ۳میلیارد لیتر مصرف روزانه اعلام‌شده از سوی اردکانی، سرنانه مصرف آب در سه منطقه شمالی ۴/۱۶۰ لیتر برای هر نفر در شبانه‌روز است که به گفته اردکانی این عدد می‌بایست ۱۳۰ لیتر به‌ازای هر نفر باشد. این محاسبات نشان می‌دهد،

مناطق یک تا ۳ با یک پنجم جمعیت تهران نیمی از آب پایتخت را می‌بلند

نصف آب تهران در حلقوم ۳ منطقه شمالی شهر!

آقای رئیس‌جمهور به جای تخلیه تهران عدالت توزیعی را اجرا کنید



تهران، نگرانی خود را از مهاجرت شهروندان تهرانی به شهرهای شمالی کشور و تشدید مشکلات زیرساختی شهرهای شمالی ابراز کردند و از دولت خواستند، برنامه خود را برای چنین پیشامدی تشریح کند. برخی کارشناسان و صاحب‌نظران نیز از رئیس‌جمهور خواستند تا به جای تخلیه تهران عدالت توزیعی را اجرا کند. عبدالله گنجی در تویییتی با اشاره به آمارهای جمعیت مناطق یک، ۲ و ۳ تهران گفت: همین جمعیت، نیمی از آب تهران را مصرف می‌کنند، در حالی که ۸۱/۲درصد جمعیت باقیمانده تنها ۳درصد از منابع آب را در اختیار دارند. وی افزود: به دلیل آنکه بخش عمده‌ای از منطقه ۳ اداری است؛ تقریباً کمترین جمعیت در مناطق ۲۲گانه دارد. این مصرف حیرت‌آور بابت چه کاری است؟ استخرهای خصوصی در برج‌ها یا باغاری؟ اصلاً طرح دولت در وضعیت موجود برای استخرها، کارواش‌ها، قالی‌شویان... چیست؟

■ **خرش وضعیت ذخایر آبی در سدهای تهران**
آبان‌امسال در حالی به پایان خود نزدیک می‌شود که میزان بارش در بسیاری از شهرهای کشور صفر در صد بوده است. از این رو وضعیت سدهای کشور نیز بحرانی است و برخی از آنها کمتر از ۱۰ درصد آب دارند. در تهران نیز شرایط به مراتب نگران‌کننده‌تر است. تازه‌ترین داده‌های شرکت مدیریت منابع آب ایران

خواهد شد که همکاری شهروندان در صرفه‌جویی مصرف آب تداوم یابد و با ۱۰درصد صرفه‌جویی بیشتر و آغاز بارندگی‌ها در یکی، دو ماه آینده بتوانیم از شرایط کنونی گذر کنیم.

مدیرعامل آبیای استان تهران خاطرنشان کرد: تاکنون همه اقدام‌های لازم در زمینه تأمین آب انجام شده است که اجرای خط دوم انتقال آب سد طالقان به تهران، آخرین اقدام در این زمینه محسوب می‌شود.

اردکانی گفت: این خط به میزان پنج مترمکعب بر ثانیه بخشی از آب مورد نیاز تهران را تأمین می‌کند، ضمن آن‌که ۱۶مترمکعب بر ثانیه نیز از منابع زیرزمینی استحصال می‌شود اما نیاز آبی تهران ۴۰مترمکعب بر ثانیه است و با وجود بهره‌برداری از منابع یادشده و ظرفیت سایر سدها، هنوز هم اکنون حدود چهار تا پنج مترمکعب بر ثانیه ناترازی بین منابع و مصارف وجود دارد که تاکنون مدیریت شده است.

■ **به جای تخلیه تهران عدالت توزیعی را اجرا کنید**
اظهارات اخیر رئیس‌جمهور درباره احتمال تخلیه تهران در صورت عدم بارش‌های پاییزی با واکنش‌های گسترده‌ای رو به رو شده است. در شرایطی که بسیاری، دولت را مقصر وضعیت فعلی در مدیریت منابع آب عنوان می‌کنند معتقدند، اظهارات رئیس‌جمهور پاک‌کردن صورت مسئله است. برخی با اشاره به هشدار رئیس‌جمهور نسبت به تخلیه

سرنه مصرف یک شهروند در شمال تهران ۳/۸ برابر بیشتر از سایر شهروندان است.

■ **اگر باران نیارد، تهران را باید خالی کرد**

رئیس‌جمهور هفته گذشته در نشست ضمن بیان مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور گفت: هم‌اکنون ایران با بحران‌های طبیعی همچون کمبود بارش و منابع آبی روبه‌روست و این بحران‌ها می‌تواند پیامدهای جدی برای تأمین منابع آب و گاز داشته باشد.

مسعود پزشکیان با تأکید بر اینکه کشور نیاز به مدیریت بهتر در این حوزه‌ها دارد تصریح کرد: اگر باران نیارد احتمالاً از آذر باید در تهران آب جیره‌بندی شود و اگر باز هم نیارد باید تهران را خالی کنید.

همزمان با این اظهارات مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران نیز گفت: ذخایر سدهای تأمین‌کننده آب تهران هم‌اکنون در کمترین میزان عمل‌الخیر قرار دارد.

محسن اردکانی با بیان اینکه امسال ششمین خشکسالی پیپاسی را تجربه می‌کنیم ادامه داد: این در حالی است که در زمان مشابه سال گذشته ۲۰میلی‌متر و در دوره مشابه دراز مدت به‌طور متوسط ۳۰ میلی‌متر بارش در تهران ثبت شده است.

وی افزود: همه تلاش‌ها تاکنون بر این بوده است که به وضعیت بحران مطلق نرسیم و این در صورتی محقق

برنامه تحولی حوزه بانکی، مستلزم تداوم پیگیری برای برخورد با بانک‌های ناتراز است

«بانک‌های ناتراز» را برای کنترل تورم و بی‌ثباتی اقتصادی مهار کنید

ارسلان محمدی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» ضرورت برخورد مستقیم با بانک‌های ناتراز را در صورت عدم تغییر وضعیت خود در برنامه تحولی وزارت اقتصاد در حوزه بانکی تشریح کرد

خودسوق می‌داندند. در نتیجه، بخش واقعی اقتصاد از جریان نقدینگی محروم می‌ماند و تولید ملی تضعیف می‌شد.

امکن او وزارت اقتصاد به‌دنبال آن است که پول خلق شده به‌جای بازارهای کاذب وارد زنجیره ارزش تولید ملی شود؛ اقدامی که اگر به‌درستی پیاده‌سازی شود، می‌تواند به رونق پایدار، اشتغال مولد و کاهش فشار تورمی منجر شود.

■ **آینده نظام بانکی مولد و سالم، در گرو اصلاح بانک‌های ناتراز**
محمدی در ابتدای صحبت‌های خود با اشاره به اقدام ارزشمند دولت و پیگیری ویژه وزارت اقتصاد برای ادغام بانک آینده در بانک ملی گفت: اقدام مهم دولت در انحلال بانک آینده و گرفتن قدرت خلق پول از این بانک یک اقدام اساسی و کلیدی در حوزه بانکداری و نظام پولی بانکی کشور تلقی می‌شود که در صورت تداوم برخورد با بانک‌های ناتراز، از وقوع بخش مهمی از تورم کشور جلوگیری خواهد کرد. نظام بانکی و قدرت خلق پول نهفته شده در اختیار بانک‌های فعال در هر کشوری باید محور اصلی تأمین مالی و موتور محرک رشد اقتصادی کشور باشد ولی متأسفانه در ایران این موتور خلق پول طی دهه‌های اخیر به‌دلیل انباشت ناترازی، ساختار مالکیتی نامتوازن و ضعف حاکمیت شرکتنی از کارکرد اصلی خود فاصله گرفته است. با همه این کاستی‌ها، بالاخره شاهد گرفتن قدرت خلق پول از سهامداران عمده بانک آینده بودیم که واقعاً اقتصاد مالی بانک‌های ناتراز، تقویت نظارت بر فعالیت‌های دولت بسیار مثبت و مهم بود. همچنین تداوم این برخورد با بانک‌های ناتراز نیز بسیار مثبت و مهم است. وزارت اقتصاد در برنامه تحول بانکی خود، باید بازگشت به اصول بانکداری سالم، بر سه محور کلیدی اصلاح ساختار مالی بانک‌های ناتراز، تقویت نظارت بر کفایت سرمایه و تغییر الگوی تخصیص منابع به سمت فعالیت‌های مولد تمرکز کرده است. بر همین اساس، ادغام بانک آینده نه یک اقدام موردی بلکه نمونه‌ای از یک رویکرد سیستماتیک است.

وی ادامه داد: وزارت اقتصاد به‌درستی اعلام کرده است که سایر بانک‌های دارای وضعیت بحرانی نیز باید برنامه اصلاحی ارائه دهند یا در صورت امتناع، وارد فرایند گزیر و در نهایت ادغام یا انحلال خواهند شد. ادغام هدفمند بانک‌های ضعیف، نامولد و ناتراز در بانک‌های بزرگ